

و اشک از چشم ها جاری می کرد. او از این زندگی غم انگیز ذلت بار به ستوه آمده بود. برادرش پس از یک جراحت دردناک دو ساعته در پناه مرگ آرمیده بود ولی او هنوز می سوخت و مدام از شکنجه روحی طاقت فرسایی رنج می برد. او دیگر از مرگ نمی ترسید و آرزو داشت که به دنبال برادرش در پناه مرگ روی آسایش ببیند. او از زبان دانشجویان حرف می زد. او عقده دل های دردمند دانشجویان را باز می کرد. او به جنایت هیأت حاکمه حمله کرده، تقاضای کیفر جنایتکاران را می نمود. او وفاداری خود و برادر شهیدش را تا آخرین لحظه حیات به مصدق بزرگ اعلام می داشت. او بالاخره سخنان مؤثر خود را با شعر معروف کریم پور شیرازی شهید دیگر نهضت ملی درباره خونین کفنان سی ام تیر در میان شور و هیجان بی حد دانشجویان ختم کرد و آنگاه به وسیله پلیس محاصره و دستگیر شد.

پس از آن مزار شهدای شانزده آذر همچون مقبره شهدای سی ام تیر زیارتگاه مردم آزاده و مبارز ایران، به خصوص دانشجویان بود. سال بعد روز شانزده آذر ۱۳۳۳ دانشکده فنی از کار آگاه و نظامی پر بود که هر گونه عکس العملی را در نطفه خفه کنند، اما مطابق قرار قبلی پس از آنکه زنگ صبح نواخته شده، تمام دانشجویان در محوطه مرکزی دانشکده فنی با حالت عزا و احترام سه دقیقه سکوت کردند: سکوتی عمیق و پر معنی، سکوتی که خاطرات دلخراش سال پیش را تجدید می کرد و رگبار گلوله و ناله دردناک مجروحین شنیده می شد. سکوتی که در خلال آن شکنجه های روحی سال گذشته، جنایات هیأت حاکمه و بدبختی و مذلت ملت ایران از نظرها می گذشت. سربازان و کارآگاهان در مقابل این سکوت قادر به هیچ عملی نبودند و هیچ بهانه و دستاویزی به دستشان نیامد. دانشجویان پس از سکوت و قرار دادن یک دسته گل بر روی پله ها دانشکده را ترک کرده عازم مزار شهدا شدند. تمام دانشگاه نیز به پیروی از دانشکده فنی به احترام شهدای شانزدهم آذر دست از کار کشید.

آن ایام فشار و اختناق عجیبی به افکار و احساسات مردم و دانشجویان سنگینی می کرد. حکومت نظامی سراسر آن سالها را پوشانده بود. تجمع سه نفر خلاف قانون و دانشجوی بودن جرم بود. چه بسا که سرباز با سرنیزه در جلسات کلاس یا سر حوزه امتحان می ایستاد و دانشجویان در پناه برق سرنیزه مشغول کار خود بودند. رفتن به دانشگاه و درس خواندن و خلاصه زندگی در آن روزها درد و رنج بود و اعصاب دانشجو را خرد می کرد. عده ای از بهترین استادان دانشگاه را اخراج کرده و به گل و زنجیر کشیدند و در عوض عده ای از اوباش و ارادل را به دانشگاه فرستادند تا رکیک ترین ناسزاها را که در شأن خودشان و اربابانشان بود، تحویل دانشگاهیان و دانشجویان دهند.

سال بعد و سال های بعد از آن نیز در اختناق مرگبار و در شرایط دشواری، دانشجویان به یاد شهدای شانزده آذر دست از کار کشیده با برگزاری مراسمی در دانشگاه و بر مزار شهدا پیوند خود را با شهدا و راه آنان تجدید کردند و شانزده آذر را روز دانشجو اعلام نمودند و بجاست که همیشه دانشجویان نام شهدا و خاطره شانزده آذر را زنده نگه داشته در بزرگداشت آن بکوشند و در راه مبارزه علیه حکومت کودتاچیان جنایتکار از روان پاک شهدای ۱۶ آذر طلب همت کنند.

اتومبیل حامل محمد رضا پهلوی و ریچارد نیکسون در کاخ سعد آباد



خلاصه مذاکرات و تصمیمات چهار صد و هشتاد و سومین جلسه شور ای دانشگاه مورخ ۱۳۳۲/۹/۲۵

رویکرد مدیران وقت دانشگاه تهران به حادثه ۱۶ آذر

دانشجویان اگرچه بعد از واقعه دردناک ۱۶ آذر به فروش آمده بودند اما دانشگاه و مسئولین آن انگار در عین عدم رضایت از آنچه رفته است نسبتی با شور سیاسی دانشجویان نداشتند. تصمیمات و مذاکرات جلسه شورای دانشگاه این همه را به تصویر می کشد. دکتر صالح که چندی بعد در جایگاه ریاست دانشگاه قرار می گیرد از وضعیت موجود ابراز نارضایتی می کند و دکتر خیبری نیز با تأیید این سخنان از لزوم جلوگیری از پخش اعلامیه و سیاسی شدن دانشگاه سخن می گوید. گویا دانشگاه آن روز حد متوسطی است بین دانشجویان انقلابی و رژیم شاهنشاهی. آنچه در پی می آید گزارشی است رسمی از آنچه در جلسه شورای دانشگاه تهران بعد از واقعه ۱۶ آذر رخ می دهد.

مهندس عطائی، کیهان معذور [و] آقایان پروفیسور شمس، دکتر اردلان در سفر [و] آقای فروزانفر غایب بودند. صورت جلسه قبل قرائت و تصویب شد. آقای دکتر سیاسی اظهار کردند به طوری که اطلاع دارند در فاصله این دو شورا در روز ۱۶ آذر واقعه و حادثه غم انگیز و جانگدازی در دانشکده فنی اتفاق افتاد

چهارصد و هشتاد و سومین جلسه شورای دانشگاه در ساعت ۵/۹ صبح روز چهارشنبه ۲۵ آذر ۱۳۳۲ به ریاست آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه با حضور آقایان رؤسا و نمایندگان و معاونین دانشکده ها در دانشسرای عالی تشکیل گردید. آقایان دکتر صدیقی، بهمنیار، دکتر شایگان،

ناگهان صدای شلیک مسلسل دستی شنیده شد و وضع بحرانی عجیبی پیش آمد و بعداً خبر رسید که چند نفر از دانشجویان هدف گلوله قرار گرفته و در سرسرای دانشکده افتاده و خون از آنها جاری است. شنیدن این خبر و تجسم این وضعیت برای کلیه استادان حاضر که این صورت جلسه را امضای نمایند موجب نهایت تأسف و تأثر گردید و در این لحظه که صورت جلسه امضا می شود ساعت ۱۱/۴۵ صبح است و هنوز وضع خاصی در دانشکده حکمفرماست

چشمش خاکش چربی

از شرین زدگی و غریب زدگی تا انقلاب اسلامی





آقای دکتر
خبیری پس از
تأیید بیانات
آقای دکتر
صالح اظهار
داشته اند این
اعلامیه‌ها در
را دوا نمی‌کند.
مشاهده
می‌شود
دانشگاهیان
در برابر تمام
این ضربات
ساکت و بی‌کار
نشسته‌اند، ما
باید مقررات
انضباطی محکمی
داشته باشیم
و خطایان و
گناهکاران در
دانشگاه را
از هر مقامی
که هستند
مجازت بدیم.
چنانچه مکرر در
مکرر از طرف
دانشگاه رسماً
اعلام شده است
ما از سیاست
دور هستیم و
باید انتظامات
خودمان را
رعایت کرده
حفظ نماییم

و منجر به کشته شدن سه نفر از دانشجویان آن دانشکده شد. گزارش این حادثه که از طرف دانشکده رسیده به عرض شورا خواهد رسید ولی قبلاً تقاضا دارم به پاس احترام و شادای روح سه نفر دانشجوی به پا خاسته و یک دقیقه سکوت نمایم. پس از یک دقیقه سکوت گزارش شماره ۲۳۲۴ مورخ ۳۲/۹/۱۸ دانشکده به شرح زیر قرائت شد:

مقام ریاست دانشگاه

بدینوسیله گزارش جریان واقعه تأسف آور روز دوشنبه ۱۳۳۲/۹/۱۶ که منجر به مقتول و مجروح شدن عده‌ای از دانشجویان گردید تقدیم می‌دارد و بدو متذکر می‌شود که چون در موقع وقوع دو عمل عمده که یکی باعث مداخله سربازان و دیگر [ای] منجر به فرمان آتش آنان گردیده از آقایان استادان و کارمندان اداری دانشکده کسی حاضر در محل وقوع این امر نبوده، ناچار برای تهیه این گزارش مجبور به تحقیق از دانشجویان گردیده ولی متأسفانه در بعدازظهر دوشنبه و صبح سه‌شنبه تعداد نسبتاً محدودی از دانشجویان بیشتر در دانشکده حاضر نشده و این گزارش به زمینه پریشی از چند نفر از آنها تهیه شده است.

۱- علت مداخله سربازان - ضمن تحقیقات از دانشجویان چنین نتیجه شده که در زنگ تفریح صبح یعنی کمی قبل از ساعت ۱۰ صبح که دانشجویان در سرسرای دانشکده فنی بوده اند یکی از دانشجویان به اسم افخمی، کاغذی (که ظاهراً اعلامیه بوده) از روی زمین برمی‌دارد و چند نفر از سربازان که در آن نزدیکی بوده‌اند او را جلب می‌نمایند. پس از این عمل دو یا چهار نفر از دانشجویان که در سرسرای بوده از پشت شیشه نسبت به گروهیانی که در محوطه خارج از ساختمان نبوده با دست‌آشارتی می‌نمایند و در همین موقع زنگ ورود به کلاس نواخته می‌شود و کلیه دانشجویان داخل کلاس‌های خود می‌شوند.

در اثر این قسمت گروهیان و دو نفر سرباز مسلسل به دست وارد ساختمان دانشکده فنی گردیده و در جست‌وجوی این دانشجویان به در کلاس دوم الکترونیک می‌روند. اینجانب شخصاً آنها را دو یا سه دقیقه قبل از رفتن به کلاس درس خود (چهارم راه و ساختمان) دیدم و گفتم تحقیق شود منظور آنها چیست. در بین راه یکی از مستخدمین به من اطلاع داد که گروهیانی مسلسل به دست می‌خواهد مرا ملاقات کند.

توسط مستخدم جواب دادم به افسر سر مراجعه نماید تا اگر افسر سر موضوع را قابل توجه دید با من در میان نهد و قبل از ورود به کلاس درس خود به آقای دکتر عابدی معاون دانشکده گفتم که طبق سنت ما دانشگاهیان، احترام کلاس درس ایجاب می‌کند که هیچ شخص خارجی حق ندارد وارد آن شود و هر وقت مشاهده شد اشخاصی مایل هستند چیرا وارد کلاس شوند زنگ خروج از کلاس نواخته شود تا کلاس تعطیل و هتک حرمت از آن نشود.

۲- جریان ورود سربازان به کلاس - گروهیان و افراد مزبور که در این موقع پنج نفر بودند مسلسل به دست درصدد برمی‌آیند که وارد کلاس شوند. مستخدم مانع ورود آنان می‌شود و خود برای کسب اجازه از معلم به داخل کلاس می‌رود و آقای مهندس شمس ملک آرا استاد درس تذکر می‌دهند که برای اینگونه امور باید از رئیس و اداره دانشکده کسب اجازه نمود.

گروهیان و سربازان معذالک وارد کلاس مذکور شده در حالی که با اسلحه تهدید می‌کردند. از او می‌خواهند که آن چند نفر را که پشت شیشه بوده

اند معرفی نماید مستخدم هم با آن وضع دو نفر از دانشجویان را نشان می‌دهد. سربازان آن دو نفر را با ضرب و شتم از کلاس خارج ساخته و از در دانشکده خارج می‌نمایند.

مقارن با همین موقع بوده که برای احتراز از پیشامدهای ناگوارتری زنگ دانشکده نواخته می‌شود و آقای دکتر عابدی معاون دانشکده که از جریان مطلع شده به داخل کلاس مزبور می‌روند و در این موقع دانشجویان از اغلب کلاس‌ها خارج می‌شوند کماینکه خود دانشجویان کلاس چهارم راه و ساختمان را مرخص و برای تعقیب موضوع به سمت اتاق استادان رفته و در بین راه با دانشجویان کلاس دوم الکترومکانیک که از ورود و هتاک سربازان بی‌اندازه عصبانی بودند برخورد نموده آنها را به آرامش دعوت نموده و وارد اتاق شده و با تلفن گزارش امور را به جناب آقای رئیس دانشگاه دادم و به مجردی که گوشی تلفن را زمین گذاشتم صدای شلیک شنیده شد.

۳- علت تیراندازی - پس از خروج دانشجویان از کلاس تعداد قابل توجهی سرباز در سرسرای پائین دانشکده حاضر بوده و مخصوصاً تعدادی از آنها که تازه وارد شده بودند و در حدود در اصلی متوقف بوده به طوری که خروج دانشجویان از این در مشکل گردیده و از قرار معلوم دانشجویان ناچار از راهرو متوجه در جنوبی می‌شوند.

از قرار مسموعات در این موقع سه عمل اتفاق می‌افتد: اولاً- از طرف مقابل دانشجویان یعنی از پلکان سمت جنوبی سربازانی که در طبقه بالا بوده اند به طرف آنها متوجه می‌شوند. دوم- در همین موقع از وسط جمعیت صدا بلند می‌شود «دست نظامیان کوتاه» و «زنده باد دکتر مصدق» و عده‌ای نیز هورا می‌کشیدند. سوم- در اثر این تظاهرات نظامیانی که در داخل سرسرای و حدود در خروجی اصلی بوده با وجودی که در خروجی را مسدود نموده بودند درصدد متفرق کردن دانشجویان برمی‌آیند.

این عده از دانشجویان که خود را مواجه با این خشونت می‌بینند با سرعت به طرف در حرکت می‌کنند. سپس در راهرو در محوطه خارج نیز تیراندازی می‌شود. ضمناً اضافه می‌نماید که قبل از تیراندازی طبق اظهارات دانشجویان در حدود ۲۰ نفر سرباز مسلح در پائین و در طبقه بالا نیز شش یا هشت نفر سرباز حاضر بوده‌اند. پس از تیراندازی استادان و کارمندان و اینجانب در اتاق مقابل اتاق استادان برای تلفن کردن جمع شده بودیم و به واسطه اینکه سربازان مانع خروج ما از اتاق بودند ناچار شدیم در همان جا بمانیم تا ساعت ۱۱/۵ از رباط با طبقه زیر که زخمی‌ها در آنجا بودند قطع بود و فقط در این ساعت از زخمی شدن چهار نفر دانشجو مطلع شده و دلیل ناله و فریادی که شنیده می‌شد معلوم گردید و از سربازان خواهش نمودیم افسر خود را نزد ما بفرستند.

از سروان و نایب سرهنگی که مراجعه نمود خواهش کردیم قبل از هر چیز مجروحین را به بیمارستان برسانند و متأسفانه باید اذعان نمود که اگر به جای یازده و سه ربع مجروحین را ساعت ده و نیم یعنی بلافاصله پس از زخمی شدن به بیمارستان فرستاده بودند شاید امید بیشتری به بهبودی آنان می‌رفت.

۱- چنانچه به جای گروهیان و سربازان، افسری فهمیده مداخله نموده بود، موضوع اولی یعنی سلب حرمت از کلاس دانشکده پیش نمی‌آمد و همان طوری که در سایر دانشکده‌ها و یک مرتبه در همین

دانشکده عمل شده دانشجویان مورد نظر به وضع مناسبی به فرمانداری نظامی می‌رفتند. ۲- قبل از تیراندازی نیز چنانچه افسری فهمیده این عده سربازان را رهبری می‌نمود قطعاً موضوع تیراندازی پیش نمی‌آمد و گوینده یا گویندگان که تشخیص آنها مقصر اصلی هستند دستگیر می‌شدند و از این عمل شدید بی‌سابقه جلوگیری می‌شد. به ضمیمه نیز رونوشت صورت مجلس که در ساعت یازده و سه ربع آن روز تنظیم گردیده اضافه می‌شود.

رئیس دانشکده فنی

صورت مجلس

جریان روز سه‌شنبه ۱۳۳۲/۹/۱۶ ساعت ۱۰ صبح در حدود ۱۵ دقیقه از جلسه دوم صبح گذشته بود. (۱۰/۱۵) که اطلاع رسید عده‌ای سرباز مسلح قصد ورود به کلاس دوم الکترومکانیک داشته و استاد کلاس درس آقای مهندس شمس ملک آرا، خواهش نمودند که کسی حق ندارد وارد کلاس درس بشود مگر با کسب اجازه قبلی از رئیس دانشکده.

سربازان بدون توجه به این مطلب به جبر و عنف در کلاس را باز کرده و دو نفر از دانشجویان کلاس را مورد ضرب قرار داده و آنها را از کلاس بیرون بردند و در برابر این عمل بی‌سابقه و با توجه به این اصل که احترام کلاس درس و حفظ شئون فرهنگی و دانشگاهی بر همه واجب است و به این ترتیب شدیداً هتک احترام شده برای احتراز از پیشامدهای ناگوارتری به ناچار زنگ تعطیل کلاس‌ها نواخته شد و استادان به تدریج از کلاس درس بیرون آمده و در اتاق معاونت دانشکده جمع شدند.

ناگهان صدای شلیک مسلسل دست‌ی شنیده شد و وضع بحرانی عجیبی پیش آمد و بعداً خبر رسید که چند نفر از دانشجویان هدف گلوله قرار گرفته و در سرسرای دانشکده افتاده و خون از آنها جاری است. شنیدن این خبر و تجسم این وضعیت برای کلیه استادان حاضر که این صورت جلسه را امضا می‌نمایند موجب نهایت تأسف و تأثر گردید و در این لحظه که صورت جلسه امضا می‌شود ساعت ۱۱/۴۵ صبح است و هنوز وضع خاصی در دانشکده حکمفرما است.

آقای مهندس اصفیا (امضا)، آقای مهندس گوهریان (امضا)، آقای دکتر افشار (امضا)، آقای مهندس مشایخی (امضا)، آقای مهندس رخسانی (امضا)، آقای زاهدی (امضا)، آقای عصار (امضا)، آقای دکتر احمد یلدا (امضا)، آقای رزر (امضا)، آقای سیداحمدیان (امضا)، آقای سنجابی (امضا)، آقای فتح الله فتاحی (امضا)، آقای دکتر رحمتی (امضا)، آقای مهندس خلیلی (امضا) و آقای دکتر عابدی (امضا).

پس از قرائت گزارش آقای رئیس دانشکده به اظهارات خود ادامه دادند و همچنین بیان کردند:

به محض اطلاع از حدوث این واقعه بلافاصله در دانشکده حاضر شده از نزدیک آنچه را که گذشته بود مشاهده کردم و از فردای آن روز در شورای دانشکده حضور به هم رسانیده با همکاران محترم دانشکده فنی به شور پرداختیم. پس از مشورت و مطالعه چندساعته آقایان استادان عقیده داشتند که دو اعلامیه یکی از طرف دانشگاه و دیگری از طرف دولت مبنی بر اظهار تأسف از واقعه صادر شود. پس از این تصمیم با جناب آقای نخست وزیر ملاقات کردم.

ایشان هم از این موضوع فوق‌العاده متأثر و متأسف بودند. در این ملاقات نظر آقایان و متن اعلامیه‌ای را که به تصویب کمیسیون رؤسای دانشکده‌ها رسیده بود به اطلاع شان رسانیدیم. جناب آقای نخست وزیر

فصل اول انقلاب اول

جبهش دانشجویی

از شرعی زدگی و غرب زدگی تا انقلاب اسلامی



موافقت کردند که اعلامیه‌ای در عین حال از طرف دولت و دانشگاه هر دو منتشر شود و ضمناً یک روز دانشگاه به پاس احترام دانشجویان مقتول تعطیل باشد.

در تعقیب آن مذاکرات اعلامیه‌ای از طرف دانشگاه صادر شد و متن آن بدین قرار است: «دانشگاه تهران در عین بی طرفی کامل از امور سیاسی و با نهایت علاقه مندی به حفظ نظم و آرامش در محیط دانشگاه از واقعه اسف انگیز روز دوشنبه ۱۶ آذرماه که برخلاف انتظار در دانشکده فنی روی داده و در اثر تیراندازی در سرسرای دانشکده چند تن از دانشجویان مقتول و مجروح گردیده اند بسیار متأسف و متأثر است و امیدوار است با اطمینانی که از طرف مقامات عالی‌تر داده شده است موضوع دقیقاً رسیدگی و رفع اهانت از دانشگاه بشود و ضمناً ترتیبی داده شود که این واقعه در آینده نظیر پیدا نکند. دانشگاه تهران به روان پاک دانشجویان عزیز که جان خود را از کف داده اند درود می فرستد و خود را شریک اندوه بی پایان خانواده های محترم آنان اعلام می دارد.

دکتر علی اکبر سیاسی - رئیس دانشگاه

در همان جلسه ملاقات از ایشان تقاضا کردم که آقای دکتر عابدی را که از طرف فرماندار نظامی توقیف شده بودند آزاد کنند، با این تقاضا نیز موافقت کردند. با همه این تفصیلات انتظار داشتیم روز دوشنبه بعد از تعطیل، دانشگاه جریان عادی خود را طی کند ولی متأسفانه مشاهده شد که بعضی از دانشکده ها به حال تعطیل باقی مانده (به استثنای دانشکده های ادبیات و حقوق و معقول و منقول).

تعطیلی دانشکده‌ها سبب نگرانی آقای نخست وزیر را فراهم کرد و پس از مذاکره تلفنی تصمیم گرفتند با آقایان رؤسای دانشکده‌ها ملاقات نمایند. در این جلسه ملاقات، آقای نخست وزیر شرح مبسوطی راجع به احترام دانشگاه بیان کردند ولی ضمناً متذکر شدند که چون در سروحه برنامه دولت حفظ نظم و آرامش و امنیت مملکت است، اجازه نخواهند داد که در هیچ دستگاہی بی نظمی حکمفرما باشد و برای جلوگیری از آن به شدت عمل خواهد کرد و اضافه کردند اگر واقعاً دانشگاه مایل است بی طرفی خود را حفظ نماید نهایت مساعدت و کمک را به او خواهیم کرد و حتی اطمینان داده شود که در دانشکده ها اتفاقی نخواهد افتاد و شعار داده خواهد شد و نظم برقرار می شود، دستور می دهم نظامیان، دانشگاه را ترک کنند.

پس از این ملاقات تقریباً هر روز کمیسیون رؤسای دانشکده ها تشکیل شد. در جلسه اخیر پس از مطالعه کافیه راجع به این جریان‌ها و با در نظر گرفتن متن اعلامیه دولت و بیانات جناب آقای نخست وزیر، نظریاتی اتخاذ کردند که به عرض شورا می‌رسد ولی قبلاً اگر لازم است توضیحاتی از طرف آقایان داده شود، بدهند که تصمیم کمیسیون قرائت شود. آقای دکتر خبیری استفسار کردند اعلامیه ای که از طرف دانشگاه منتشر شد عین همان اعلامیه‌ای است که از دانشگاه داده شده است یا خیر؟

جواب داده شد تغییرات مختصری از طرف دولت در آن داده شده است. آقای دکتر صالح اظهار داشتند به طوری که آقایان کم و بیش اطلاع دارند دانشگاه در خارج دشمن و مخالف زیاد دارد. یک دسته از مخالفین آنهایی هستند که نتوانستند وارد دانشگاه بشوند، سعی می‌کنند از هر آب گل آلودی استفاده کنند و دست به مخالفت بزنند. آقایان به عملیاتی که در حکومت ها و مجالس سابق برای مخالفت با دانشگاه شده است، اطلاع دارند.

دولت فعلی و دانشگاه و دانشکده فنی هیچ یک راضی نبودند که چنین اتفاقی بیفتد و در محیط مقدس دانشگاه خونی ریخته شود. اتفاقاً این حادثه حربه مهلکی به دست مخالفین داد و نشستند و گفتند که عده ای به دور یکدیگر گرد آمده، حصار می‌کشند و خود کشیده به عنوان برگزیده ملت هر چه می‌خواهند می‌کنند و اجازه نمی‌دهند کسی وارد کار آنان بشود. دسته دیگری که دائماً بر علیه دانشگاه در فعالیت هستند توده ای‌ها هستند که روی اساس اصلی حزبی خود یعنی تخریب سعی دارند که بنیان این مؤسسه علمی را متزلزل کرده به منظور خویش برسند. این دسته نیز فقط ضعیفی پیدا کرده با بزرگ کردن آن به فعالیت پرداخته اند. دسته سوم نیز وجود دارد که متأسفانه باید گفت این دسته از میان خود ما هستند که به دلایلی از یکدیگر ناراضی شده به جای اینکه اختلافات را در داخل خود حل و فصل نمایند شکایت نزد مقامات خارج از دانشگاه برده به این ترتیب هم به تضعیف بنیان دانشگاه کمک کرده و هم حربه مخالفین را تندتر و تیزتر می‌نمایند. مجموع این اتفاقات طوری نمودار شده که برخی از اعضای دولت را متوجه این نکته کرده گمان می‌کنند دانشگاه کانون فساد و اغتشاش است.

بنابراین بر همگی ماها فرض است که بیکار ننشسته، عاقلانه و مدبرانه اختلاف داخلی خود را اگر وجود دارد مرتفع ساخته، حربه دشمنی و کینه‌توزی را از دست مخالفان و دشمنان دانشگاه خارج سازیم و نگذاریم بر اساس و بنیان این مؤسسه علمی خلی وارد آید. تصمیم کمیسیون رؤسای دانشکده ها به قرار ذیل قرائت شد:

۱- حادثه اسف انگیز ۱۶ آذرماه که در دانشکده فنی منجر به قتل سه تن از دانشجویان گردید عموم دانشگاهیان را بسیار متأثر و جریان عادی تعلیم را در دانشگاه چندین روز مختل کرد و این وضع غیر عادی به هیچ وجه جنبه سیاسی نداشت.

۲- دانشگاه چنان که مکرر اعلام داشته است از دخالت در امور سیاسی جدا احتراز دارد و حفظ بی طرفی را کماکان برای ایستام وظیفه مقدس تعلیم و تعلم و تتبع و تحقیق و پیشرفت و ترقی این مؤسسه علمی اصل مسلم و ضروری می‌داند.

۳- نظر به اینکه دولت صریحاً وعده کرده اند مسببین واقعه ۱۶ آذرماه را مورد تعقیب و مجازات قانونی قرار دهند و برای حفظ انتظامات در دانشگاه با موافقت دانشگاه ترتیب خاصی داده شود. بنابراین مقرر می‌شود که دانشکده‌ها و بیمارستان‌ها و سایر مؤسسات ضمیمه دانشگاه فوراً جریان عادی کار خود را تعقیب نمایند و دانشجویان به وظایف تحصیلی خود بپردازند.

ضمناً نظر به وضع غیرعادی اعلام می‌شود که از تاریخ این اعلامیه سه روز غیبت از دانشگاه موجب اخراج از دانشگاه خواهد بود. آقای دکتر فرهاد تذکر داده‌اند که در تمام این جریان‌ها آقایان استادان و معلمان در سر کار خود حاضر بوده و حتی یک ساعت هم غیبت نداشته‌اند و دفاتر حضور و غیاب شاهد بر این مدعی است.

آقای دکتر خبیری پس از تأیید بیانات آقای دکتر صالح اظهار داشته‌اند این اعلامیه‌ها در ما را دوا نمی‌کند. مشاهده می‌شود دانشگاهیان در برابر تمام این ضربات ساکت و بی‌کار نشسته‌اند، ما باید مقررات انضباطی محکمی داشته باشیم و خاطیان و گناهکاران در دانشگاه را از هر مقامی که هستند مجازات بدهیم. چنانچه مکرر در مکرر از طرف دانشگاه رسماً اعلام شده است ما از سیاست دور هستیم و باید انتظامات

خودمان را رعایت کرده، حفظ نماییم. آقای مهندس جفرودی اظهار کردند که با اطمینان خاطر باید گفت که دولت به هیچ وجه در این موضوع دخالتی نداشته است. مطلب اساسی که من همیشه طرفدار آن بودم این است که استادان باید در امور دولتی دخالت داشته باشند زیرا اگر یکی از اعضای دانشگاه در هیأت دولت دخالت و شرکت نداشت ممکن بود تصویب نامه ای بگذرد که دانشگاه ضمیمه وزارت فرهنگ می‌شد.

آقای دکتر صالح این تصویب‌نامه را از بین برد و دانشگاه را از شر بزرگی رهایی داد. به عقیده من دانشگاه برای انتظامات خود باید گارد مخصوص داشته باشد زیرا اگر چنین بود به طور قطع این اتفاق ناگوار روی نمی‌داد. گفته شد باید از پخش اعلامیه و نوشتن شعار در دانشگاه جلوگیری به عمل آورد.

در تمام مملکت این موضوع متداول است اگر چند نفر دانشجوی مرتبک عملی شدند دولت نباید آن را به حساب دانشگاه بگذارد. عموم اولیای امور دانشگاه به خصوص آقای رئیس دانشگاه در این چندروزه نهایت مجاهدت و کوشش را برای رفع این غائله و حفظ موجودیت دانشگاه کرده‌اند و من از ایشان سپاسگزارم.

اما موضوع اساسی طرف توجه این است که آقایان رئیس دکتر صالح باید اقدام نمایند هر چه زودتر نظامیان از محوطه دانشگاه خارج شوند. منتهی قوایی در خارج از دانشگاه در اختیار دانشگاه گذاشته شود که به تشخیص رئیس دانشکده از آن استفاده شود. آقای دکتر نامدار گفتند تاکنون چنین سابقه بوده است هر وقت اغتشاش و بی نظمی که در دانشگاه روی داده است سبب آن دانشجویان بوده‌اند و تقریباً استادان دخالتی در این قبیل امور نداشته‌اند ولی متأسفانه بعداً وضع را طوری چرخانده اند که گناه را خواسته‌اند به گردن استادان بیندازند.

متأسفانه استادان هم به هیچ وجه عکس‌العمل از خود نشان نداده اند. گفته شد که ما می‌توانیم خودمان را اداره کنیم با مراجعه به سابقه (اشاره به واقعه ۱۷ آبان ۱۳۳۰) ملاحظه خواهد شد اشتباه محض است با دانشجویان باید سخت بود و نظامات و مقررات را شدیداً نسبت به دانشجویان متخلف اعمال کرد و نباید به آنان فرصت داد که در امور تعلیماتی و اداری دانشگاه اختلال کرده سبب هرج و مرج بشوند.

آقای دکتر عمید بیانات آقای دکتر خبیری را تأیید کرده، اظهار داشتند دانشگاه باید هر چه زودتر در تشکیل گارد مخصوص اقدام نموده، آئین‌نامه انضباطی معلمان دانشگاه را به مرحله اجرا در آورد. آقایان دکتر افشار و دکتر صالح با خارج شدن قوای انتظامی از دانشگاه تا تشکیل گارد مخصوص به کلی مخالف بوده و آن را به علت مجال دادن به اختلال گران و آزادی عمل آنان خطای محض دانسته‌اند.

پس از مذاکرات و اصلاحاتی متن اعلامیه مصوب کمیسیون رؤسای دانشکده‌ها به تصویب رسید و ضمناً مقرر گردید هر چه زودتر در تشکیل گارد مخصوص دانشگاه اقدام شود. آقایان مهندس خلیلی و دکتر عمید از زحمات شبانه روزی آقای دکتر سیاسی و حسن تدبیر او در رفع غائله و حفظ اساس دانشگاه به خصوص در موقع بحرانی اظهار قدردانی کرده، تشکر نمودند و این موضوع مورد تأیید شورا قرار گرفت. آقای رئیس دانشگاه نیز اقدامات مؤثر آقای دکتر صالح را در هیأت دولت ستوده و از زحمات ایشان تقدیر نمودند.

جلسه در بعدازظهر خاتمه یافت.



چشم‌پوش‌های شجره‌چی

از شرین زدگی و غریب زدگی تا انقلاب اسلامی

۳۳

فصل اول انقلاب اول